

ذوالفقارنسب: کی‌روش با غیبت در فینال میزان علاقه‌اش به فوتبال ایران را نشان داد

چرا ستاره‌های نایب قهرمان آسیا ملی‌پوش نمی‌شوند؟

فرهنگستان

www.Fdn.ir | Mon | 12 Nov 2018 | vol.10 | No. 2630 | 16 Pages

وقتی کنفدراسیون فوتبال آسیا زیر بار عدالت نمی‌رود

ایران و عربستان همچنان در زمین ثالث



بعد از پرانکو ثویت کی‌روش است

فوتبال ایران منتظر دومین فینال آسیا

حذف تاج بدون تعلیق دولت به دنبال

گفت‌وگو

ذوالفقارنسب: کی‌روش با غیبت در فینال میزان علاقه‌اش به فوتبال ایران را نشان داد

چرا ستاره‌های نایب قهرمان آسیا ملی‌پوش نمی‌شوند؟



لیست تکراری تیم ملی فوتبال ایران اعلام و یک‌بار دیگر مشخص شد که کارلوس کی‌روش خیلی در حال و هوای فوتبال ایران نیست و کار خودش را می‌کند. لیستی‌پر از ابهام و پر از سوال که البته همیشه با پاسخ‌های شبیه به توجیه پیرمرد پرتغالی همراه بوده است. لیستی

لیگ‌برتر خبری نیست و این در حالی است که بازیکنی مثل کنعانی‌زادگان به اردو برگشته و خانزاده همچنان پای ثابت اردوهاست. بسیاری از کارشناسان فوتبال هم همیشه نسبت به این اتفاق تکراری موضع‌گیری کرده‌اند و اتفاق جدیدی هم رخ نداده است و این قصه ادامه دارد. گفت‌وگوی «فرهنگستان» با بیژن ذوالفقارنسب درخصوص تازه‌ترین لیست کی‌روش را در ادامه می‌خوانید.

III

لیست جدید تیم ملی را حتما دیدید و شما هم مثل ما متعجب شدید! فکر می‌کنم کی‌روش با عدم حضورش در مسابقه فینال لیگ قهرمانان آسیا و تماشای دیدار پرسپولیس و کاشیما، میزان علاقه‌مندی‌اش را به فوتبال ایران نشان داد! نوع انتخابش از تیمی که با کمترین امکانات موفق شد نایب قهرمان آسیا شود و عدم انتخاب بازیکنانی مانند شجاع خلیل‌زاده، علی علویور، سیدجلال حسینی و... یک امر منطقی نبود.

معتقدید از پرسپولیس باید نفرت بیشتری دعوت می‌شدند؟ بله، قطعاً؛ و باید منتظر عواقب این رفتارش باشد که خدای ناکرده هواداران تیم‌های مختلف رفتار ناپسندی را علیه وی نشان ندهند.

ظاهراً سرمری تیم ملی لیستی ثابت دارد و مدام هم این لیست با اندکی تغییر تکرار می‌شود!

در باره کی‌روش، رفتارش و عملکردش در این مدت زیاد صحبت کرده‌ام و چون این رفتارها ادامه پیدا می‌کند، دیگر علاقه زیادی ندارم در رابطه با وی بحث و صحبتی کنم؛ اما قطعاً شما درست می‌گویید و این لیست‌ها مدام در تیم ملی تکرار می‌شود و کسی هم نمی‌تواند درباره آن از سرمری تیم ملی سوالی بپرسد.

مگر می‌شود بازیکنی مثل کنعانی‌زادگان در حالی که تیم ملی دعوت شود که صدرنشینان لیگ برتر حتی یک سهمیه هم در این تیم نداشته باشند! واقعا کی‌روش بهترین‌ها را دعوت می‌کند؟

من فکر می‌کنم او روی یک سری از مربیان داخلی و خارجی لیگ برتر نقطه نظرات منفی دارد و از این طریق می‌خواهد بازیکنان این تیم‌ها را علیه مربیان خود به حرف و سخن واداشته و آنها به این سبب علیه کادرفنی خود موضع‌گیری کنند.

فوتبال ایران منتظر دومین فینال آسیا



هومن جعفری روزنامه‌نگار

در سرزمین دوقطبی‌ها، انگار نمی‌شود از «این» بنویسی و از «آن» نه! از همین رو بد نیست در جواب کنایه‌ای که چند وقت پیش جناب مستطاب کارلوس کی‌روش به برانکو انداخت و تأکید کرد که برادرش را به کادر فنی نیاورد، حالا ما یاد استاد بیندازیم که برانکو با همان برادرش به فینال لیگ قهرمانان رسید. شما با این کادر فنی به فینال لیگ قهرمانان آسیا می‌رسی؟

یادداشت



رضا مشتاقی روزنامه‌نگار

۱- سال ۱۳۷۴ در شماره ۲۴ نشریه کیان، «فرآیند عرفی شدن فقه شیعه» پا در رکاب مرکب عرفی، دل در کمند شاهد قدسی» به قلم

جهانگیر صالح‌پور منتشر شد؛ البته

بهرتر است بگویم «به اسم جهانگیر صالح‌پور منتشر شد» چرا که بعدها مشخص شد صالح‌پور نام مستعار سعید حجاریان است. حجاریان در این مقاله از روندی که به عرفی شدن فقه شیعه می‌انجامد، سخن گفته است. در منظر حجاریان، عرفی شدن

یا سکولاریزاسیون پدیده‌ای است که در تمام تاریخ فقه شیعه در جریان بوده و اکنون

با روی کار آمدن یک حکومت اسلامی بهترین فرصت برای سرعت بخشیدن به روند

آن و تکمیل این جریان است. به عقیده او، ظرفیت‌ها و ابزارهایی نیز درون فقه شیعه

موجود است که می‌توانند به یاری این فرآیند بیایند. به عنوان مثال حجاریان می‌گوید:

«یک‌راه برای دخالت عرف در احکام شرعی، تفکیک این احکام به تاسیسی و امضایی

است. به این معنی که اسلام به بسیاری از عرف‌های دوران جاهلیت صحنه گذاشته

و آنها را امضا کرده است. با این حساب اگر پیامبر اسلام در زمانه ما ظهور کرده بود

به بسیاری از عرف‌های موجود نیز صحنه می‌گذاشت، چرا که قوانین عرفی عصر ما

قطعاً از «فقه‌الجاهلیه» پیشرفته‌تر و انسانی‌تر است. راه دیگر بلاموضوع کردن احکام

شرعی است. مثلاً می‌دانیم حکم حرمت ربا بر اشتیایی تعلق می‌گیرد که فی‌نفسه و

ذاتاً دارای ارزش حقیقی باشند. با این حساب می‌توان ادعا کرد مقوله اعتباری پول

اساساً و جوهراً مقوله‌ای مستحدثه است و تفاوت ماهوی با «تقدین» و مسکوک طلا

و نقره دارد، لذا باید احکام مربوط به «پول» توسط قوانین عرفی تعیین شود. دامنه

بلاموضوع کردن احکام شرعی به قدری وسیع است که می‌توان کلیت اقتصاد عصر

سرمایه‌داری، تنظیمات جامعه صنعتی و حتی خود انسان عصر مدرن را از حوزه

سننتی فقه به دور داشت. پذیرش این تفسیر از «ختم نبوت» (و گونه شیعی آن،

فلسفه غیبت کبری) که انقطاع وحی، علامتی از رشید شدن بشریت تحت تعالیم

و تربیت‌های پیامبران است و از آن پس بشر قادر است به مدد چراغ عقل، راهی را

ادامه دهد که انبیا آن را طی کرده و با گام‌های خود هموار کرده‌اند، طریق دیگری

برای عرفی شدن شریعت است.»

البته حجاریان فقط به ظرفیت‌های درونی فقه شیعه برای عرفی‌سازی اکتفا نکرده

بود؛ از نظر او کارگزاران نیز می‌توانند نقش اساسی در این فرآیند ایفا کنند: «راه

دیگر، گسترش فضای «ما لانی فیه» است. بعضی از فقها و اصولیون، آنچه‌ان در غربال کردن نصوص پدولایی دارند که می‌توانند در اعتبار ۹۰ درصد روایات به انحای دهنده‌های فرآیند سکولاریزاسیون، «مسئولانی را که تصمیمات خود را به اصول و... آنها را از دایره ادله فقهی خارج کنند. این کار باعث می‌شود دایره نصوص معتبر تنگ تر شده و مجال برای تجلی عقل عرفی بیشتر شود....»

۲- حجاریان اگر امروز مقاله‌اش را می‌نوشت، می‌توانست به فهرست ممکن کنندگان و سرعت‌دهنده‌های فرآیند سکولاریزاسیون، «مسئولانی را که تصمیمات خود را به دین و احکام شرعی و فقهی نسبت می‌دهند» اضافه کند و مطمئن باشد این عامل اصلی‌ترین نقش را در این مسیر ایفا خواهد کرد. می‌توانست ماجرای ورود بانوان به استادیوم‌های فوتبال را هم به عنوان مثال روشن این نقش مطرح کند. به موجب قانون اساسی که ایرانیان براساس آن اجرای یک حکومت دینی را پذیرفتند، همه افراد ملت اعم از زن و مرد، به‌طور یکسان در حمایت قانون قرار دارند. بعد می‌بینیم از سوی مسئولان اعلام می‌شود زنان حق حضور در استادیوم‌ها را ندارند. کدام قانونی این حق را از زنان سلب کرده است؟ هیچ قانونی در این مورد وجود ندارد. پس بر چه اساسی جلوی ورود زنان به استادیوم‌ها گرفته می‌شود؟ تا مدت‌ها دلیلش را آماده‌نبودن زیرساخت‌ها و رعایت کرامت بانوان اعلام می‌کردند. این دلایل می‌تواند زنان خواهان ورود به استادیوم‌ها را اقناع کند؟ البته که نه. چه تفاوتی است میان زنان و مردان از این حیث؟ آیا مردان نیازی به امکانات رفاهی در استادیوم‌ها ندارند؟ یا یک استادیوم در سرتاسر کشور نیست که زیرساخت‌های مناسب را برای پذیرش تماشاگران داشته باشد؟ و بر فرض که حتی یک استادیوم هم وجود ندارد، باید زنان را مختار گذاشت که چنین سختی‌هایی را بپذیرند و در استادیوم حاضر شوند یا بایاد ممنوع‌شان کرد؟ آیا دولت گذر زنان از جاده‌های صعب‌العبور یا محلات بدنام را ممنوع می‌کند یا آن را به اختیار خودشان وامی‌گذارد؟

آخرین بهانه و البته بدترین بهانه‌ای که می‌شد به آن چنگ زد، «حرمت شرعی حضور زنان در استادیوم‌ها» بود؛ اتفاقی که افتاد و وضع را به دو دلیل بدتر کرد. اول اینکه در یک حکومت اسلامی، محدودیت‌های شرعی که قرار است به پشتیبانی ابزار و قوای دولتی اجرا شوند باید در قالب قانون قرار گیرند. در غیر این صورت، صرف فتوای مراجع نمی‌تواند مبنای اقدام دولت و محدود کردن اشخاص واقع شود؛ چرا که میان فتوای مراجع همواره اختلاف وجود دارد و در این مورد به خصوص می‌توان طاعلانه ادعا کرد که هیچ‌گونه اجماعی میان علما و مراجع مبنی بر حرمت تماشای فوتبال

این جمله را از او نشنیدیم که بگوید دستم بسته است. برای قرارداد بستن و پول گرفتن، آبروی مدیران خود را نریخت و در یک کلام به غیر از احترام و خدمت چیزی از او ندیدیم. حالا از جناب مستطاب کارلوس کی‌روش که عادت دارد بر سر هر چیز کوچکی قهر کند و هرچه دلش می‌خواهد به هر که دلش می‌خواهد نثار کند، یک تقاضای منطقی داریم. مردی که فینال لیگ قهرمانان آسیا برای او کوچک بود و حاضر نشدد پیش را به ورزشگاهی بگذارد که رئیس فیفا و رئیس ای‌اف‌سی در آن نشسته بودند، لطف کند و فینال جام‌ملت‌های آسیا را برای ما به ارمغان بیاورد. برانکو تیم خسته و رباط پاره کرده‌اش را به خط پایان رساند؛ شما برای ما فینال را بیاور.

می‌تواند از تمام دنیا بازیکن ایرانی به تیم ملی دعوت کند و در حالی که سرمایه‌های انسانی فوتبال ایران برای تشکیل دو تا سه تیم ملی همزمان کفایت می‌کند، برانکو یک سال شگفت‌انگیز و پر از عذاب فعلی را با مصدومان و جداشدگان فراوان به سر رساند و هیچ‌وقت مثل مربی پرتغالی تیم ملی، کمبودهای امکانات ما و زیاد بودن توانایی لجستیکی رقبا را به رخ‌مان نکشید. برخلاف کی‌روش که هرچه می‌خواهد دارد و همیشه هم مشغول کنایه زدن به ماست، برانکو هیچ‌وقت در رقابت با حریفان آسیایی بر سرمان منت نگذاشت که زانی‌ها چقدر پیشرفته‌اند و امکانات قطری‌ها و اماراتی‌ها و عربستانی‌ها و کره‌ای‌ها چقدر از ما بیشتر است! هیچ‌وقت برای ما کلاس نگذاشت و تا پایان مسابقات

حرمت و حلیت حضور زنان در استادیوم و کاتالیزور سکولاریزاسیون

توسط زنان در استادیوم وجود ندارد و با حکمی اختلافی نمی‌شود تمام زنان را از حق‌شان محروم کرد. چه‌بسامیان این زنان اقلیت‌های مذهبی یا زانی که مرجع‌شان مخالفتی با این موضوع ندارد، وجود داشته باشند.

اگر دلیل را شرایط نامناسب فرهنگی حاکم بر استادیوم اعلام کنند نیز، نگارنده در هیچ منبع شرعی و قانونی ندیده است که فحش دادن و فحش شنیدن بر مردان حلال

و بر زنان حرام باشد و به این خاطر بشود مانع حضور زنان در محیطی که مردان در آن فحاشی می‌کنند، شد. اگر محیط استادیوم معدومیهایی حضور شرعی نیست،

برای هیچ انسانی نیست نه فقط برای زنان و اگر در مدعای خود صادقیم، باید مانع

حضور هر دو جنس شد. علاوه بر این، پیش از این نیز زانی در مسابقات دیگر ورزش‌ها

حضور پیدا کرده و بدون هیچ‌گونه معانعتی و الیبال و بسکتبال مردان را تماشا کرده

بودند و مخالفتی از سوی نهادهای مذهبی و رسمی در این مورد اعلام نشده بود.

دلیل دوم و مهم‌تر که چنین استنادی به شرع اوضاع را بدتر کرد اینکه از ابتدا

مشخص بود در فقدان قانون مصوب مجلس که مانع حضور زنان در استادیوم‌ها

شود و در شرایط اجتماعی و بین‌المللی فعلی، این حکم قابلیت اجرا ندارد و به‌زودی

شاهد حضور مجدد زنان در استادیوم خواهیم بود؛ اتفاقی که در فینال قهرمانی

باشگاه‌های آسیا افتاد و شاهد حضور تعداد بسیار بیشتری از زنان نسبت به دفعات

قبل در استادیوم بودیم.

۳- در این حالت، برای شهروندان سوال پیش می‌آید که از یکی از این حالات بیرون

نیست؛ یا «ممنوعیت حضور مادر استادیوم حکم شرعی نبود و ما را فریفتند. از کجا

معلوم به‌نام دین ما را از حقوق دیگری محروم نکنند؟ چرا دیگر تصمیمات خودسرانه

خود را نیز به شرع نسبت نداده باشند؟»

یا اینکه «حکم شرع بود و به راحتی و در برابر چشم همگان نقض شد. چرا نشود باقی

احکام شرع را نقض کرد؟ این طور که معلوم است عرف بر شرع ارجحیت دارد و اصلاً

این چه شریعت محدود کننده و مضیق و نا کارآمدی است؟»

به همین راحتی و با یک ادعای اشتباه می‌شود مردم را به اجرای شریعت و امکان

وجود یک حکومت دینی بی‌اعتماد ساخت و پازل عرفی سازی را تکمیل کرد. البته

کافی است به آنها که مبتنی بر شریعت مخالف و مانع حضور زنان در استادیوم

بودند بگویید در حال ایفای چنین نقشی هستند تا ناباورانه انکار کنند و صد لعن و

نفرین نثار سکولاریسم و باعث و بانی اش کنند؛ اما آنچه در عمل و روی زمین اتفاق

می‌افتد، چیز دیگری است.